

مؤلفه‌های تربیت سیاسی در اندیشه سید محمدباقر صدر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

ساجده شکری^۱

نیکو دیالمه^۲

چکیده

در هر جامعه‌ای بسته به نوع رویکرد دولت، از دیکتاتوری تا دموکراتیک و مردم‌سالاری دینی، تعیین اهداف تربیت سیاسی، در طیفی از جامعه‌پذیری تا تربیت و پرورش امتداد پیدا می‌کند و خروجی آن متناسب با رویکرد مختار، افرادی مطیع ارزش‌های جامعه و منفعل در برابر اصلاح و بهبود یا انسان‌هایی رشدیافته هستند که می‌توانند توسعه‌دهنده ارزش‌های جامعه باشند. در حکومت اسلامی که هدایت انسان‌ها را طبق دستور الهی در سرلوحه اهدافش قرار می‌دهد، تربیت سیاسی بر مؤلفه‌های متفاوتی از انواع حکومت تأکید دارد. پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوای کیفی در پی یافتن این مؤلفه‌ها از منظر سید محمدباقر صدر است. نمونه آماری، تعدادی از آثار دست اول شهید صدر است که اندیشه سیاسی او در موضوعات مرتبط با ساخت تمدن اسلامی را دربر گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌های تربیت سیاسی از منظر صدر در پنج دسته کلی قابل ارائه است: هدف، زمینه‌سازها، همراهان، آموختنی‌ها و مراقبتی‌ها. هرکدام از این مؤلفه‌ها نیز شامل چندین زیرمقوله مرتبط است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل محتوا، تربیت سیاسی، سید محمدباقر صدر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه امام صادق(ع)، (نویسنده مسئول) sajede.shokri@gmail.com

^۲. دانشیار علوم تربیتی / دانشگاه امام صادق(ع)، dialameh@isu.ac.ir

بیان مسئله

تحقق تربیت سیاسی با رویکرد اسلامی، در آغاز نیازمند استخراج مؤلفه‌های این مفهوم از منابعی است که اندیشه سیاسی اسلام و اهداف آن در سیر تحقق انسان را به صورت جامع پردازش کرده باشند. در میان اندیشمندان اسلامی، محمداقبر صدر، فیلسوفی فقیه است که با دغدغه برپایی حکومت اسلامی و خروج مسلمانان از چنگال استعمار زیسته و در همین راه به شهادت رسیده است. در کارنامه علمی و پژوهشی او آثاری درباره اقتصاد اسلامی، فلسفه و بنیان‌های نظری اسلام در تقابل با سایر مکاتب فکری که بر جوامع مردمی حاکم شدند، بحث و گفت‌وگو درباره نظریه تاریخ و سنت‌های الهی، و مواردی دیگر وجود دارد، اما حجم مطالعات، آثار و همچنین اقدامات او در عرصه جامعه و همچنین اندیشه و عمل سیاسی‌اش، او را به عنوان نظریه پرداز سیاسی شهرت بخشیده است.

اگرچه صدر مطالعه و اثر مستقلی درباره تربیت و حوزه‌های مرتبط با آن ندارد، آثارش بستری مناسب برای استخراج مؤلفه‌های تربیتی است که از میان انواع ساحت‌ها، این پژوهش بر اندیشه سیاسی او متمرکز شده است؛ زیرا او در آثارش سیاست را در خدمت به شکل‌دهی به جامعه گرفته و از این نظر مشابه چشم‌اندازهایی است که ما برای تأسیس مدارس مطرح می‌کنیم. به علاوه توجه به تربیت سیاسی، در بازتعریف روابط و نقش‌های اجتماعی نیز اثرگذار است و فروکاستن از اهتمام به آن علاوه بر ایجاد تزلزل در مناسبات اجتماعی-سیاسی، از جنبه‌های دیگری هم بر آینده امت و جامعه اسلامی تأثیر می‌گذارد و ممکن است مشکلاتی از جمله نبود احساس همبستگی میان دولت-ملت و انحراف رابطه امام-امت را به وجود آورد که با توجه به نشانه‌های آن در جامعه فعلی ما و در کشورهای دیگر، زنگ خطری برای توجه به این حوزه به صدا درآمده است. علاوه بر این دلایل، روشن است که بینش سیاسی اسلام به بخش‌های ظاهری زندگی اجتماعی منحصر نمی‌شود و این بینش عمیق باید در معنای زندگی، هستی، اجتماع، سیاست، اقتصاد و اخلاق حاکم باشد (صدر، ۱۳۹۳). بر این اساس، از ظاهر نامناسب زندگی اجتماعی می‌توان به بحرانی در معنای هستی و زندگی در محتوای زندگی مردم پی برد و برای دورتر نشدن از اهداف تشکیل حکومت اسلامی لازم است تا دوباره به چرایی تأسیس مدارس برگردیم و کارکرد مدرسه را با توجه به معیارهای ساخت جامعه و تمدن اسلامی مرور کنیم.

سید محمدباقر صدر برای توسعه جامعه، محتوای درونی اعضای تشکیل دهنده شامل افراد جامعه را مدنظر قرار داده است؛ برای مثال در کتاب *مکتب اسلام*، ذیل موضوع مشکلات اجتماعی انسان معاصر، نظام‌های اجتماعی ساخته دست بشر را آینه تمام‌نمای آن‌ها معرفی می‌کند که اگر گروه‌های مؤسس از قدرت اراده و ثبات کافی برخوردار نباشند، قادر به اداره نظامی توانمند نیستند که اراده جمعی آن‌ها را پرورش دهد و به مثال‌هایی از ضعف دولت‌ها در جوامع غربی اشاره می‌کند تا مقدمه‌ای باشد برای این تفکر که انسان‌ها چگونه می‌توانند به زندگی اجتماعی آرمانی و نظام سیاسی افضل دست یابند (صدر، ۱۳۹۳).

ادبیات پژوهش

به لحاظ نظری سه دسته کلان در باب تربیت سیاسی وجود دارد که وجه اشتراک همگی آن‌ها، مقابله با شیوه اقتدارگرایانه در تربیت سیاسی است. این سه دسته شامل محافظه‌کاری^۱، مکتب انتقادی^۲ و نظریه دموکراتیک هستند. هدف در دسته اول حفظ وضع موجود است تا از طریق تربیت سیاسی، سنت‌های اجتماعی کهن به نسل‌های بعد منتقل و افراد، حامی و مرید رهبران شوند. لوتر^۳، دورکیم^۴ و پارسونز^۵ از جمله نظریه‌پردازان دسته اول هستند (صادق‌زاده، ۱۳۷۹). در گروه دوم تلاش افرادی مانند مونتسکیو^۶ بر آن است تا افراد منتقد و خلاق برای دگرگون کردن جامعه تربیت شوند و آرمان اصلی در این مکتب، آگاه‌سازی افراد نسبت به نابرابری‌های موجود است. دسته سوم هم که بیشتر، از اندیشه‌های دیویی^۷ گرفته شده، به دنبال تربیت شهروندان مستقل و نقاد است که با شیوه‌های ترغیبی به مشارکت فعالانه در سیاست می‌پردازند (رنجبر، ۱۳۸۷).

هرکدام از صاحب‌نظران و متفکران به تناسب خاستگاه عقیده و دانش، تعاریف مختلفی از تربیت سیاسی ارائه کرده‌اند که بخشی از این مفهوم را در ذهن روشن می‌سازد. در میان

1. Conservative theory
2. Critical school
3. Luther
4. Durkheim
5. Parsons
6. Montesquieu
7. John Dewey

نظرات و تعاریف مختلف، عده‌ای تربیت و سیاست را مترادف و هم‌هدف دانسته و عده‌ای دیگر از نظر معنایی و هدف، میان این دو مفهوم فاصله انداخته و تربیت سیاسی را با عبارات دیگری تبیین کرده‌اند.

عیسی‌نیا (۱۳۸۷: ۵۴) تربیت سیاسی را مترادف با جامعه‌پذیری سیاسی در نظر گرفته است: «فرایندی که به‌وسیله آن، افراد در جامعه‌ای معین با نظام سیاسی آشنا می‌شوند و درک آن‌ها تا اندازه قابل توجهی از سیاست و واکنش‌هایشان نسبت به پدیده‌های سیاسی تعیین می‌گردد.» پورفرد (۱۳۸۷: ۱۲۵) زمینه تربیت سیاسی را نه بالقوه در درون انسان‌ها، که امری در خارج می‌داند و آن را «فرایند دگرسازی شهروندان به‌منظور شکوفایی و پرورش استعدادها و رفتارهای سیاسی آنان در نظام سیاسی» معرفی می‌کند.

جان الیاس^۱ (۱۳۸۵: ۱۸۰) نیز در تعریف خود از تربیت سیاسی می‌نویسد: «پرورش فضایل، دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای مشارکت سیاسی و آماده‌کردن اشخاص برای مشارکت آگاهانه در بازسازی آگاهانه جامعه خود». او مهم‌ترین اهداف برای تربیت سیاسی را «تربیت شهروندان، گزینش رهبران سیاسی، ایجاد همبستگی سیاسی، حفظ قدرت، اجتماعی کردن افراد، نقد نظام سیاسی موجود و تربیت شهروندان جهانی» ذکر کرده است.

راش^۲ (۱۳۹۳: ۱۰۲) تربیت سیاسی را به شکل فرایندی تعریف می‌کند که «افراد به‌وسیله آن در جامعه‌ای معین با نظام سیاسی آشنا می‌شوند و تا اندازه قابل توجهی ادراکشان از سیاست و دانش‌هایشان نسبت به پدیده‌های سیاسی تعیین می‌شود.»

علاقه‌بند (۱۳۸۱) نیز به نقل از کازمیاس^۳ و ماسیلاس^۴ تربیت سیاسی را فراگردی معرفی می‌کند که اشخاص به‌وسیله آن به کسب جهت‌گیری‌شان در جامعه می‌پردازند. همچنین شارع‌پور (۱۳۸۷) مجدداً از قول ماسیلاس این مفهوم را فراگردی معرفی می‌کند که ارزش‌های اجتماعی و سیاسی را به نسل بعد منتقل می‌کند.

جراحی دربان، بابازاده، و رودمقدس (۱۳۹۳: ۸) هم سعی بر ارائه تعریفی جامع داشته‌اند: «تربیت سیاسی یعنی تلاش در راه تربیت شهروندانی مسئول و وظیفه‌شناس و رشد دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های او برای حضور فعال همراه با اندیشه نقادانه در عرصه سیاسی ملی و جهانی.»

1. John L. Elias
2. Michael Rush
3. M. Kazamias
4. B. G. Massialas

دین با ارائه طرحی جامع برای سامان‌دهی زندگی انسان، در نظرگاه برخی از متفکران اسلامی چنان جلوه کرده که تربیت را با مفهوم سیاست درهم آمیخته است؛ به طوری که این دو مفهوم نه تنها لازم و ملزوم یکدیگر هستند، بلکه تعریف یکی از آن دو بدون دیگری امکان‌پذیر نیست. طبق نظر این جمع، نظام دینی ارتباطی محکم با سیاست دارد و سیاست وسیله‌ای برای محقق‌ساختن دین است. اتحاد میان دین و سیاست را طبق اشاره قرآن کریم می‌توان در نمونه‌هایی از تاریخ زندگی پیامبران هم مشاهده کرد. متفکران معتقد به اتحاد میان سیاست و دیانت، مهم‌ترین هدف رسالت رسل را تأسیس نظام سیاسی برپایه دستور خداوند معرفی می‌کنند که در این نظام، روابط اجتماعی بشر با قانون الهی تنظیم می‌شود (رایجی پارسایی، فغان‌نوملی و کاردل، ۱۳۹۳).

محمد غزالی معنای سیاست را با تربیت گره زده است؛ به طوری که گویی هر دو به یک حوزه اشاره دارند. او سیاست را هدایت‌کننده مردم در سیر از دنیا به آخرت می‌داند تا به سعادت برسند و اضافه‌شدن دین به سیاست را مانند دمیده‌شدن روح انسانیت و معنویت توصیف می‌کند که در پی آن، هر نوع عمل سیاسی به فعلی اخلاقی تبدیل می‌شود که هدفش سعادت آدمی است (عطارزاده، ۱۳۸۸). غزالی متفکری غایت‌گرا است که سیاست را «استصلاح در مسیر سعادت» (قادری ۱۳۷۸: ۱۰۷) می‌داند که انسان در این مسیر با تحقق بخشیدن استعدادهايش، خود را شایسته اقامت در جوار خداوند می‌سازد (قادری: ۱۳۷۸). در این بیان، سیاست از عرصه حکومت‌داری و قدرت فراتر می‌رود و هدایت آدمیان به سرمنزل حقیقی را هدف قرار داده است و به روشنی، در راستای دیگر سازوکارهای هدایت از جمله بعثت انبیا قرار می‌گیرد.

شاخص‌ترین فرد معاصر در این دسته، مؤسس انقلاب اسلامی ایران (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۴۳۰) نیز در تعریفی از سیاست، مرزهای آن را ممزوج با تربیت بیان کرده: «سیاست این است که جامعه را هدایت کند، در راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را مورد نظر بگیرد و این‌ها را هدایت کند به طرف چیزی که به صلاحشان است.» در نظر بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، حکومت و سیاست در جامعه اسلامی با هدف دین به معنای انسان‌سازی مطابقت کامل و برای مشروعیت و فعلیت خود به مردم احتیاج دارد؛ مردمی که از طریق تربیت برای مشارکت در امور جامعه آماده شده و نسبت به آن احساس مسئولیت

می‌کنند (عیسی‌نیا، ۱۳۸۷). در مجموع، بیانات مؤسس فقید انقلاب، تربیت سیاسی گرایش آگاهانه و آزادانه به سمت ارزش‌های الهی است که میزان رشد در این مسیر از طریق مؤلفه‌های آزادی، خودشناسی، استقلال و عدالت قابل‌شناسایی است (سلحشوری، یدالهی‌فر و خنکدار طارسی، ۱۳۹۱).

خاستگاه تربیت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران از معارف قرآن کریم برگرفته شده و به همین خاطر استخراج مبانی، اصول و برخی دیگر از مؤلفه‌های تربیت سیاسی از منظر قرآن کریم مورد توجه بسیاری از محققان بوده است. موسوی الیگودرزی (۱۳۸۷) ضمن تأکید بر اهمیت تربیت سیاسی در توسعه و پیشرفت جامعه، با نظر به همین مبانی، تعریف خود را ارائه می‌کند: «هدف از تربیت سیاسی براساس آموزه‌های قرآن، زمینه‌سازی برای شکوفایی استعدادها، مدیریت و سیاسی فرد همراه با رشد آگاهی، پرورش ارزش‌های دینی و فطری و کسب مهارت‌های لازم برای حضور فعال در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی است» (موسوی الیگودرزی، ۱۳۸۷: ۹۴).

تربیت سیاسی برگرفته از اسلام تعاریف متفاوتی در مقایسه با معنای رایج آن در نظام‌های فکری دیگر دارد. معیارهای تعریف در ادبیات اسلام، مطابق با مبنای دین هماهنگ شده و نمایی از اصول را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بازتاب می‌کند؛ برای مثال، داودی و فاضلی دهکردی (۱۳۹۴) آن را تربیت انسان‌هایی می‌دانند که توحید و صفات الهی را در همه رفتارها و اقدامات اجتماعی و سیاسی به نمایش می‌گذارند.

برخی هم آن را تربیت شهروندانی معرفی می‌کنند که به شناخت وظایف دینی خود اقدام می‌کنند و به آن‌ها پایبند هستند. در واقع اسلام به‌وسیله تربیت سیاسی قصد دارد کارگزارانی تربیت کند که براساس آموزه‌های اسلام به مهارت تدبیر جامعه دست یابند و آن را اجرا کنند (مسعودیان و بهشتی، ۱۳۹۲).

افتخاری و مهجور (۱۳۹۵) با در نظر گرفتن آغوشی وسیع برای تربیت سیاسی از منظر اسلام، آن را در ارتباط با ابعاد زیادی از مفاهیم اجتماعی و سیاسی و دارای معنایی کلی می‌دانند که علاوه بر جهت‌گیری مذهبی و الهی، آزادی، آگاهی و اراده افراد را نیز در نظر دارد؛ زیرا قرآن کریم پیروی کورکورانه از مسائل را نفی می‌کند.

مرزوقی (۱۳۸۴) دیدگاه اسلام در تربیت سیاسی را دارای دو بخش می‌داند که در بخش اول تأکید بر انتقال ارزش‌های سیاسی و مذهبی صورت می‌گیرد تا دل‌بستگی و وابستگی در سه بعد فکری، نگرشی و عملی در فرد ایجاد شود. در فرایند ایجاد وابستگی، آگاهی و آزادی افراد مورد توجه است از آن جهت که نسل‌های جدید با ارزش‌های نظام سیاسی جامعه به‌طور صحیحی آشنا شوند. در بخش دوم تأکید بر ایجاد آمادگی و قابلیت برای اصلاحات سیاسی-اجتماعی است تا مسئولیت متقابل افراد در مقابل نظام سیاسی برای متریبان روشن شود.

هدف تربیت سیاسی در اسلام، پرورش معنوی انسان‌های آزاده و بارآده است که علاوه بر در نظر گرفتن مصالح اخروی، سازمان‌دهی زندگی و اموری دنیوی را هم مد نظر دارند. آن‌ها همچنین فرهنگ و اخلاق را عوامل مؤثر و بنیادین در تربیت سیاسی اظهار می‌کنند؛ چرا که توسعه همه‌جانبه از منظر اسلام را در گرو اخلاق‌مندی جامعه می‌دانند.

جعفری هرنندی و نجفی (۱۳۹۸) شکوفاسازی استعداد‌های سیاسی دانش‌آموزان و پرورش ارزش‌های دینی آنان را مدنظر قرار داده و تربیت سیاسی را ابزاری برای رسیدن به این هدف می‌دانند تا از طریق آن، انسان‌ها مسئولیت خود در برابر خدا و مردم را دریابند.

در تعاریف تربیت سیاسی از منظر دینی، «هدایت» و «ساخت انسان» به‌عنوان هدف نزول دین مدنظر بوده است. متفکران اسلامی تربیت را دربرگیرنده ابعاد انسان و جامعه و همچنین مصالح جامعه می‌دانند که هدایت انسان را در چارچوب نظام معرفت‌شناسی دینی به‌عهده دارد.

همچنین اتحاد میان تربیت و سیاست، با یکی از ابعاد تربیت اجتماعی از جمله مسئولیت‌پذیری در مسائل جامعه هم‌بستگی مثبتی دارد. به‌نظر می‌رسد اشاره به در نظر گرفتن مصالح جامعه در بعضی از تعاریف، معادل توسعه و پیشرفت کشور است که در برخی دیگر به کار رفته است که در این مسیر شاخص‌های رشد فردی در کنار معیارهایی از کسب مهارت‌های مشارکت و نقش‌آفرینی در سطح اجتماعی دیده شده است؛ برای مثال، مؤلفه‌هایی مانند آگاهی و استقلال، در کنار عدالت، مشارکت و مسئولیت‌پذیری در قبال خداوند و مردم قرار گرفته‌اند، اما مهم‌ترین وجه تمایز تربیت سیاسی در اسلام با سایر مکاتب فکری، سایه توحید-اساسی‌ترین اصل آن- بر سر همه مؤلفه‌ها است که در تعاریف متفکران مسلمان با تصریح یا به‌صورت

ضمنی دیده می‌شود. اشاره به مسئولیت‌پذیری در قبال خداوند و جامعه اسلامی، رشد آگاهی و خودشناسی و... همگی بر مبنای تربیت اعتقادی هستند.

مهم‌ترین نقدی که به تعاریف ارائه‌شده در بخش مذکور وارد شده، کلی‌گویی و ابهام در بیان مقصود است. در این تعاریف، مفاهیم غالباً بدون در نظر گرفتن جنبه‌های اجرایی و شاخص‌هایی برای ارزیابی مطرح شده‌اند که نمونه آن در تعریف داودی و فاضلی دهکردی (۱۳۹۴) و مسعودیان و بهشتی (۱۳۹۲) دیده می‌شود. «نمایش توحید در رفتارها و اقدامات اجتماعی و سیاسی» باید در مرحله اول، شرایط و نحوه حضور توحید را بررسی کند و بعد از آن، به شکل مقبول و عملیاتی یا حداقل قابل پیوست به صورت برنامه‌ای اجرایی بیان شود. بیان «اقدام به شناخت و عمل به وظایف دینی» هم به شکل حساسیت‌برانگیزتری در تعریف تربیت سیاسی ظاهر می‌شود؛ چرا که این عبارت بستر مناسبی برای برداشت‌های جدایی‌طلبانه میان دین و سیاست ایجاد می‌کند که نویسندگان موضع خود را در مقابل آن مشخص نکرده‌اند. به علاوه در سیاق این تعریف، تربیت سیاسی صرفاً متعلق به قشر کارگزاران نظام معرفی شده است که فارغ از جدا کردن بدنه مردم از حاکمیت، نویسندگان انتظاری از تربیت سیاسی را مطالبه می‌کنند که در تعریف خود به آن اشاره نکرده‌اند؛ در حالی که تدبیر جامعه و اقدام به امور اجرایی بر اساس نظام سیاسی اسلام، بحث مفصلی است که صرفاً به شناخت وظایف دینی و پایبندی به آن‌ها محدود نمی‌شود.

آگاهی و آزادی، افراد در ایجاد گرایش به سمت ارزش‌های الهی - چنان‌که در تعدادی از تعاریف اشاره شد - مورد توجه بعضی از اندیشمندان مسلمان در تربیت سیاسی واقع شده است و چنان‌که در بیان سلحشوری، یدالهی فر و خنکدار طارسی (۱۳۹۱)، از اشارات مؤسس انقلاب اسلامی درباره تربیت سیاسی گفته شد، این دو مفهوم در کنار استقلال قرار می‌گیرند که رویکرد توحیدمدارانه را در جنبه‌های فردی و اجتماعی تقویت می‌کند و در نهایت، مؤلفه‌ها ناگزیر به جنبه‌هایی اجتماعی نظیر «عدالت» وصل می‌شود که بر جنبه‌های سیاسی هم اثرگذار و هم اثرپذیر است.

در همه ساحت‌های تربیت، «زمینه‌سازی» اصلی معتبر و پذیرفته است که در تعریف موسوی الیگودرزی (۱۳۸۷) با اختصاص دادن آن به شکوفایی استعدادها و مدیریتی و سیاسی فرد، به

ساحت تربیت اجتماعی-سیاسی متصل می‌شود و او در اشتراک نظر با مرزوقی (۱۳۸۴) علاوه بر رشد آگاهی و ارزش‌های فطری، مهارت‌افزایی برای تحقق زمینه‌سازی مشارکت فعال در جامعه را مدنظر قرار می‌دهد. البته مرزوقی (۱۳۸۴) آگاهی و آزادی افراد در انتقال ارزش‌های سیاسی را در همراهی با ایجاد دل‌بستگی توصیف می‌کند تا به وابستگی منجر شود.

به نظر می‌رسد تعریفی برای تربیت سیاسی لازم است که معطوف به جنبه رسمی تربیت و ارتباط مردم با حاکمیت باشد؛ اگرچه می‌تواند با اضافه‌شدن قیودی-احتمالاً در سطح مهارت‌ها- به تربیت کارگزاران هم تبدیل شود. از ارکان این تعریف، پرورش حساسیت‌متریبان به اجتماع داخلی و جهان -نه فقط جهان اسلام- انگیزه ایجاد وحدت جهانی و پیوند میان ملت‌ها با توجه به تفاوت اقوام و زمینه‌سازی برای حکومت صلح جهانی در عین حفظ خرده‌فرهنگ‌ها و تفاوت‌های قومی که مانعی در راه حقیقت‌نیستند، عقلانیت و آینده‌نگری، امیدواری و هدف‌گذاری برای آینده مدنظر است. مطابق معیارهای گفته‌شده، تربیت سیاسی چنین تعریف می‌شود: پرورش آگاهی دانش‌آموزان در بستری از حق آزادی و انتخاب، در شناخت ولایت خداوند و امتداد آن تا ملاک‌های الهی در تحقق اهداف حاکمیت را بازشناسند و مسئولیت‌پذیری را برای نقش‌آفرینی و نظارت در نظام اسلامی تمرین کنند و زمینه‌ساز ظهور حکومت جهانی و وحدت صلح‌طلبانه ملت‌ها شوند.

روش پژوهش

این پژوهش توسعه‌ای و از حیث رویکرد با توجه به ماهیت موضوع و نوع مخاطبان آن، کیفی است؛ از آن جهت که مطالعات در حوزه تربیت سیاسی نیاز به محتواسازی بیشتری دارد و از طرفی ارتباط این ساحت تربیتی با ساخت جامعه، اهمیت محتواسازی در این بخش را ایجاب می‌کند.

روش استخراج مؤلفه‌ها، تحلیل محتوای کیفی و جامعه‌تحقیق، منابع دست‌اولی است که صدر در بیان اندیشه خود تألیف کرده است. سپس با روش نمونه‌گیری هدفمند با ملاک‌هایی مانند جامعیت در بیان بنیان اندیشه، دارابودن زمینه موضوعات مرتبط با سیاست و ارتباط با موضوعاتی مانند ساخت بنای تمدنی جامعه اسلامی براساس آیات و روایات، درنهایت برای

کدگذاری از بارقه‌ها (۱۳۹۷)، امامان اهل‌بیت (۱۳۹۴)، اسلام راهبر زندگی (۱۳۹۳)، مکتب اسلام (۱۳۹۳)، رسالت ما (۱۳۹۳) و سنت‌های تاریخی در قرآن کریم (۱۳۹۹) استفاده شد. همچنین در روند مطالعه، از کتب دست اول دیگری مانند سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن (۱۳۶۹) و مقدمه کتاب اقتصاد ما (۱۳۴۸) و منابع دست‌دومی مانند جامعه ما در اندیشه و آثار شهید سید محمدباقر صدر (حکیم ۱۳۹۹)، نظریه سیاسی شهید سیدمحمدباقر صدر (حمدانی ۱۳۹۵) و مقالات و کتاب‌های تحلیلی دیگری که درباره اندیشه سیاسی صدر نوشته شده هم بهره مناسب برداشته شده است.

درنهایت ۱۴۸ کد استخراج شد که در روند مقوله‌یابی و طبقه‌بندی کدهای محوری استفاده شد. نمونه‌ای از جدول ۱ کدهای اولیه در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱. نمونه‌ای از کدهای باز استخراج شده از منابع دست‌اول صدر

ردیف	متن	کد	مرجع سند	ملاحظات ^۱
۱	فرایند تغییر در جامعه دو جنبه دارد: ۱. محتوا و مضمون شامل احکام، روش‌ها و تشریحاتی که این فرایند تغییر به‌سوی آن‌ها فرامی‌خواند (...). این بعد از فرایند تغییر، یعنی بعد محتوا و مضمون یا همان بعد قوانین، احکام و شیوه‌ها، بعدی ربانی است، ولی بعد دیگری نیز در این فرایند تغییری وجود دارد که پیامبر اکرم (ص) و یاران پاکش به آن پرداختند. (...) بنابراین اقداماتی که از سوی قرآن مجید و پیامبر اکرم در راستای تغییرات اجتماعی انجام شد، دو جنبه دارد: از لحاظ ارتباط با دین، وحی الهی و منابع آن، اقدامی ربانی و فوق‌تاریخی است، ولی از	رابطه طولی میان ابعاد الهی و بشری فرایند تغییر پیروزی یا شکست در گرو فراهم کردن شرایط مادی تغییر؛ فرایندی از پایین به بالا و تحت حاکمیت خداوند تفویض بعد بشری فرایند تغییر به رسول	سنت‌های تاریخی در قرآن کریم - فصل سوم - صفحه ۵۰ تا ۵۳	مناسب برای بخشی است که صدر از رخوت مسلمانان سخن می‌گوید و آن را عاملی برای عقب‌ماندگی جوامع دیندار بیان می‌کند. اعتقاد، ایمان و توکل به خداوند نباید مسلمان را از کار بیندازد و او را به امید خدا بنشانند، بلکه باید در او حرکتی ایجاد کند بسیار بیشتر از سایرین؛ چرا که او با

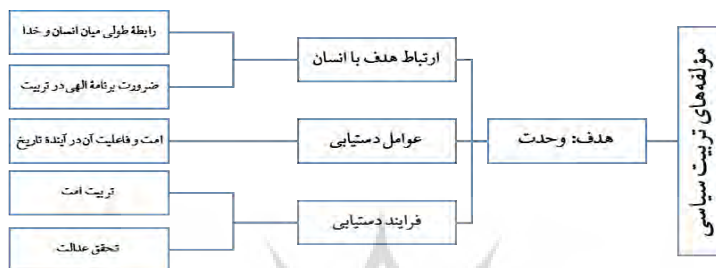
۱. این ستون بخشی از یادداشت‌های محقق را در هنگام مواجهه با کدها، روند تفکر برای ایجاد ارتباط بین منابع و رسیدن به کدهای مراحل بعدی نشان می‌دهد.

ردیف	متن	کد	مرجع سند	ملاحظات ^۱
	<p>این جهت که در صحنه تاریخ اتفاق افتاده و تلاشی بشری بوده که در تقابل با عده‌ای دیگر از تلاش‌های بشری قرار گرفته، عملی تاریخی به‌شمار می‌رود و مضمون سنت‌های تاریخی و قوانینی می‌شود که از سوی خداوند متعال برای تنظیم پدیده‌های هستی در صحنه تاریخ وضع شده است. به همین دلیل وقتی قرآن مجید از این جنبه دوم فرایند تغییر سخن می‌گوید، از رسالت آسمانی بحث نمی‌کند بلکه از مردم و انسان‌ها بحث می‌کند و از آن‌ها به‌عنوان گروهی از گروه‌های انسانی سخن می‌گوید که تحت حاکمیت همان سنت‌ها و قوانینی به سر می‌برند که بر همه حاکمیت دارد.</p> <p>قرآن مجید آنجا که از شکست مسلمانان در جنگ احد پس از پیروزی قاطع در جنگ بدر سخن می‌گوید، چه می‌فرماید؟ آیا می‌گوید رسالت آسمانی پس از پیروزی در مرحله پیشین شکست خورد؟ نه. چنین سخن نمی‌گوید؛ زیرا رسالت آسمانی فراتر از معیارهای پیروزی و شکست به معنای مادی آن است. رسالت آسمانی شکست نخورد و هیچ‌گاه شکست نخواهد خورد، بلکه این انسان‌ها هستند که شکست می‌خورند حتی اگر انسان‌هایی باشند که رسالت آسمانی در وجود آن‌ها مجسم شده است؛ زیرا سنت‌های تاریخ بر این انسان حاکمیت دارند.</p>	<p>خدا (ص) اتصال ساحت مادی و معنوی (بشری و و فوق بشری) در فرایند تغییر</p>		<p>اراده خود رسالتش در برابر خدا را گردن گرفته است. نگرش صدر درباره اتصال و در طول هم بودن ابعاد مادی و معنوی و اشاره او به بخش‌هایی از نظر ملاصدرا، اینجا هم بروز دارد.</p>
۲	<p>نشانه‌های ایده تکامل در اینجا می‌توانیم سه محور اصلی را برشماریم که انسان براساس آن‌ها تکامل می‌یابد؛ البته عامل تکامل نبوت با دو</p>	<p>-پیش‌زمینه تربیت سیاسی به شیوه دینی: «آگاهی</p>	<p>امامان اهل بیت؛ مرزبانان حریم</p>	<p>پذیرش دعوت، هدف مسئولیت‌پذیری اخلاقی بوده که از مهم‌ترین تفاوت‌ها بین</p>

ردیف	متن	کد	مرجع سند	ملاحظات ^۱
	محور از این سه پیوند می‌یابد و با محور سوم ارتباطی ندارد. این سه عبارت‌اند از: - محور آگاهی یکتاپرستی؛ - محور مسئولیت‌پذیری اخلاقی برای به‌دوش گرفتن بار دعوت؛ - محور چیرگی بر هستی و طبیعت؛	یکتاپرستی» -از اصول تربیت سیاسی به شیوه دینی: مسئولیت‌پذیری اخلاقی در پذیرش دعوت -ارتباط مستقیم میان تکامل انسان و چیرگی بر هستی و طبیعت	اسلام- تجدید و تغییر در نبوت- بیست و هفتم ماه رجب سال ۱۳۸۸ قمری- صفحه ۱۰۸	اخلاق سکولار و اخلاق اسلامی است؛ مسئولیت‌پذیری اخلاقی در جهت هم‌کنشی با نبوت در دعوت به پروردگار و دین است، نه صرفاً یک دسته رفتارهای اخلاقی.
۳	در کشوری که نظام اقتصادی‌اش از اسلام پیروی می‌کند، فقر کجا خواهد بود؟ اسلامی که به حکومت تکلیف می‌کند که با ابزارهای مختلف، فقر و نیازمندی را نابود کند: ابزارهایی از قبیل تکالیف مالی ثروتمندان، تعیین حدود مرزهای مشخص برای راه‌های کسب درآمد، ایجاد حق عام در ثروت‌های مختلف کشور اسلامی و تحریم مال‌اندوزی بدون ادای صحیح واجبات اسلامی نسبت به مال. (...) فساد خلقی در زندگی اجتماعی مبتنی بر اخلاق و تعالیم اسلامی چه جایگاهی خواهد داشت؟ تعالیم حکیمانه‌ای که انسانیت کامل را در انسان می‌پرورد و در نتیجه انسان به عضو اجتماعی صالحی بدل می‌شود که نسبت به همه افراد امت احساس همبستگی حقیقی دارد. (...) تبعیض و اختلاف طبقاتی در نظام اسلامی چه جایی دارد؟ اسلامی که اعلام می‌کند همه انسان‌ها از یک ریشه‌اند و هیچ‌کس جز بر اساس تقوا و اخلاص بر دیگری برتری ندارد.	-متعلقات مؤلفه «عدالت اجتماعی» در تربیت سیاسی: مبارزه با فقر، فساد اخلاقی و تبعیض طبقاتی -اصول حاکم بر نظام اسلامی؛ معیارهایی برای نظارت	بارقه‌ها- فصل سیاست و اجتماع؛ بیانیه‌های «جماعه العلماء»- بیانیه دوم، ۸ جمادی‌الثانی ۱۳۷۸ ق. در نجف اشرف -صفحه ۲۹۸ و ۲۹۹	در تربیت سیاسی باید فهم دقیقی از مفاهیم اسلامی مثل مبارزه با فقر، مبارزه با فساد و اختلاف طبقاتی ایجاد بشود به طوری که: ۱. مرتبی فرق نظامش را با سایرین بداند. ۲. به وقت انحراف حکومت، اصلاح آن را مطالبه کند.

یافته‌های پژوهش

بعد از مرحله کدگذاری باز، طبقه‌بندی تا رسیدن به کدهای محوری و سپس تا مقوله‌ها ادامه پیدا کرد و در نهایت مؤلفه‌های تربیت سیاسی در پنج دسته به دست آمد که شرح مختصری از هر کدام با طبقه‌هایش در نمودار ۱ ارائه شده و در نهایت تصویر کلی ارائه شده است.



نمودار ۱. دسته اول مؤلفه‌های تربیت سیاسی؛ هدف

مؤلفه اول تربیت سیاسی: هدف

صدر با توضیح سیر زندگی اجتماعی بشر در موضوع «عرصه تاریخ» و بیان ویژگی‌ها و همچنین تفاوت‌هایش با «عرصه طبیعی»^۱، وحدت بعد از دوره تشتت و اختلاف میان گروه‌های مردم را هدف نزول انبیا و برنامه تربیت آن‌ها می‌داند: «بنابراین ایمان به خداوند یکتا و طرد تمامی انواع شرک و طاغوت و وحدت هدف و مصلحت و مسیر، نشانه‌های فطرت انسانی است و هرگونه شرک و ستمگری و هرگونه اختلاف و تفرقه، انحراف از فطرت و سرشت انسانی قلمداد می‌شود» (صدر، ۱۳۹۳: ۱۷۲). او در ادامه منبع آن را مشخص می‌کند: این تربیت نمی‌تواند از داخل جماعتی که به انحراف رفته و وحدتش از هم پاشیده شده آغاز شود، بلکه بایستی تربیت و هدایتی در کار باشد که مردم آن را دریافت کنند و این تربیت از خارج از شرایط روحی حاکم بر جامعه به قلوب مردم راه یابد. اینجا است که نقش وحی و نبوت به میان می‌آید (صدر، ۱۳۹۳: ۱۷۷).

۱. ر.ک به: حمدانی، طالب. ۱۳۹۵. نظریه سیاسی شهید سید محمدباقر صدر. ترجمه اسماء خواجه‌زاده. قم: کتاب فردا/ صدر، سید محمدباقر. ۱۳۹۹. سنت‌های تاریخی در قرآن کریم. ترجمه سید جلال میرآقایی. قم: دارالصدر.

در نظر او، دین است که بین معیارهای اخلاقی که برای انسان وضع می‌کند و حب ذات که در فطرت نهفته است، پیوند برقرار می‌کند: «دین بین معیار فطری کار و زندگی - یعنی حب ذات- و معیاری که در عرصه کار و زندگی باید پیاده شود، وحدت برقرار می‌کند تا به این وسیله، سعادت، رفاه و عدالت در جامعه تضمین شود» (صدر، ۱۳۹۳: ۳۳۵).

استدلال صدر برای قراردادن دین به‌عنوان عامل وحدت در میان تفاوت‌ها و تفرق‌های بشری، «ماهیت فکری» وی است که در «بارقه» از آن سخن گفته است:

وحدت فکری عبارت است از باور گروهی از مردم به جهان‌بینی خاصی که وحدت سیاسی‌شان را برپایه آن بنا می‌کنند. این وحدت برخلاف وحدت عاطفی، آن وحدت طبیعی‌ای است که شایستگی آن را دارد که حکومت، یعنی تجسم کیان سیاسی متحد، بر پایه آن شکل بگیرد؛ زیرا وحدت عاطفی در ذات خود به موضوع سیاسی امت و دیدگاه علمی آن نسبت به زندگی ارتباطی ندارد و در نتیجه نمی‌تواند حکومت و نظامی را برای امت ایجاد کند؛ زیرا فقط فکر است که می‌تواند حکم و نظام بیافریند. از این‌رو فکر و اندیشه بنیان طبیعی حکومت است و وحدت فکری نیز تنها وحدتی است که می‌تواند علت علمی ایجاد وحدت سیاسی باشد که در حکومت متجلی می‌شود (صدر، ۱۳۹۷: ۲۷۱).

او با بیان رابطه طولی میان وحدت سیاسی و وحدت عمومی جامعه و همچنین رابطه عرضی میان لایه‌های مختلف وحدت در امت، مدعای ما برای خروجی و هدف تربیت سیاسی را تکمیل می‌کند:

حکومت والاترین مظهر وحدت سیاسی است که بین گروهی از مردم وجود دارد. به همین دلیل باید وحدت، آن بازتاب وحدت عمومی موجود در میان مردم باشد. وحدت عمومی میان مردم که در وحدت سیاسی بازتاب می‌یابد، گاه وحدت عاطفی^۱ و گاه وحدت فکری است (صدر، ۱۳۹۷: ۲۷۱).

صدر همچنین در مبحث سنت‌های تاریخی و عرصه تاریخ، از نقش انسان و خداوند در پیشبرد اهداف خلقت می‌گوید تا رابطه میان انسان و خدا را در این فرایند، روشن و همچنین

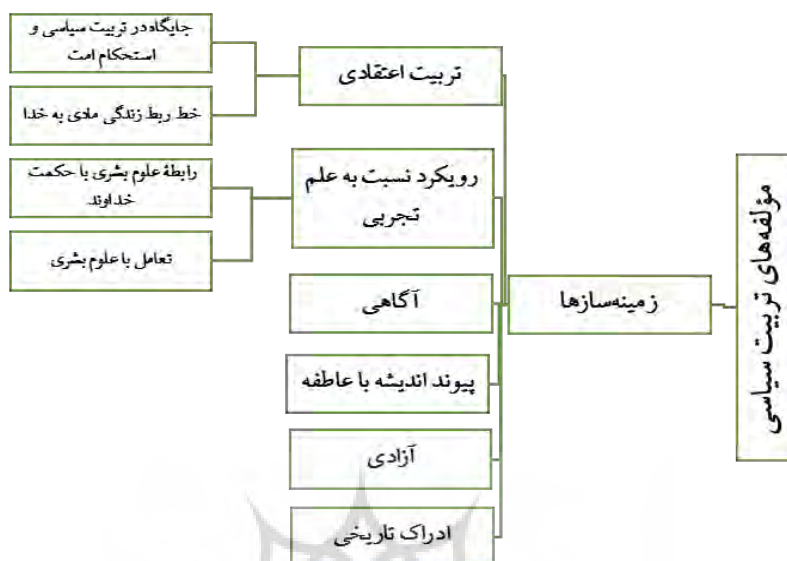
۱. وحدت عاطفی احساس مشترکی است که در میان گروهی از مردم به دلیل داشتن اقلیم جغرافیایی مشترک یا قومیت زبانی یا نژادی یا تاریخی معینی وجود دارد.

عوامل و فرایندهای دستیابی به هدف را مشخص سازد. او دربارهٔ قاعده‌مندی سنت‌های تاریخی و فرایند ربوبی آن در عین وابستگی به ارادهٔ انسان سخن گفته که رابطهٔ طولی میان انسان و خدا در نظر او را نشان می‌دهد (صدر، ۱۳۹۹: ۷۷-۸۵) و زمینه‌ای برای بیان اصل استخلاف و تفویض خلافت الهی به انسان است (صدر، ۱۳۹۹: ۹۱؛ صدر، ۱۳۹۳: ۱۵۰).

صدر دربارهٔ تغییرات اجتماعی در طول زمان و گذر تاریخ، با استناد به آیات قرآن، مجدداً از رابطهٔ طولی میان ابعاد الهی و بشری و وابستگی تغییرات اجتماعی به دگرگونی درونی انسان‌ها به‌عنوان اولین لایهٔ تأثیرگذار در اجتماع سخن گفته است (صدر، ۱۳۹۹: ۶۷) و توجه و رسیدگی به عوامل مادی در پیروزی یا شکست را که عوامل دستیابی به هدف هستند، خاطر نشان می‌کند (صدر، ۱۳۹۹: ۵۰-۵۳).

در فرایند دستیابی به هدف، رابطهٔ طولی میان ابعاد خودسازی و تغییر مابأنفس با تربیت امت و ساخت اجتماع، مدنظر صدر است و او با توجه به این رابطه، جهاد اصغر و اکبر را در پیوندی محتوایی با یکدیگر توصیف می‌کند (صدر، ۱۳۹۹: ۱۳۶). صدر تربیت را زمینه‌ای برای به‌فعلیت‌رسیدن قابلیت‌های درونی انسان می‌داند که از سطح حس آغاز می‌شود (صدر، ۱۳۹۴: ۸۶) و به ایفای نقش مردم در برابر حکومت اسلامی می‌انجامد (صدر، ۱۳۹۴: ۱۶۷).

مؤلفهٔ دیگر در فرایند دستیابی به هدف، تحقق عدالت است که اهمیتش را می‌توان از تمایز آن از سایر صفات الهی و قرارگرفتنش در اصول دین اسلام دریافت (صدر، ۱۳۹۳: ۱۵۷). عدالت اجتماعی در نظر صدر زمینه‌ساز اتصال روح جامعه با اسلام است (صدر، ۱۳۹۳: ۳۵) و سه مسئولیت مهم مبارزه با فقر، فساد اخلاقی و تبعیض طبقاتی را به‌عهده دارد (صدر، ۱۳۹۷: ۲۹۸-۲۹۹) تا میان جنبه‌های فطری و اجتماعی وحدت ایجاد کند (صدر، ۱۳۹۳: ۳۳۵).



نمودار ۲. دسته دوم مؤلفه‌های تربیت سیاسی: زمینه‌سازها

مؤلفه دوم تربیت سیاسی: زمینه‌سازها

اولویت و اهمیت تربیت اعتقادی در تحلیل نوشته‌های صدر، آن را در جایگاه نخست مؤلفه‌های زمینه‌سازها قرار می‌دهد. این مؤلفه به رابطه طولی میان انسان و خدا و نوع ارتباط حاکم میان آن‌ها معنا می‌بخشد و همچنین تربیت سیاسی را در سیری محتوایی به استحکام امت پیوند می‌زند. صدر برای روابط میان انسان با طبیعت و انسان‌های دیگر، طرف چهارمی هم قائل است که بر روابط سه‌گانه قبلی تسلط دارد و براساس قاعده جانشینی انسان توسط خداوند، توحید را به مبانی اجتماعی وارد می‌کند (صدر، ۱۳۹۹: ۱۲۴). او اصول دین را بهترین راهنمای برنامه‌ریزی تربیتی (صدر، ۱۳۹۹: ۱۸۰-۱۸۲) و «آگاهی یکتاپرستی» را پیش‌زمینه تربیت سیاسی براساس منطق توحیدی می‌داند (صدر، ۱۳۹۴: ۱۰۸) تا به اعتقاد در وجود شخص منجر شود که پیوندی میان اندیشه و عاطفه و سرچشمه عمیق‌ترین عواطف در قلب انسان مسلمان به خداوند، رسول وی و رسالتش است (صدر، ۱۳۹۳: ۴۴۵-۴۴۶):

منظور از اعتقاد، مجموعه مفاهیمی است که رسول خدا به ما آموخته است و آفریننده جهان، گذشته و آینده آفرینش، نقش انسان در زندگی و مسئولیت او در برابر خداوند را به ما

می‌شناساند. این مفاهیم را از آن جهت عقیده می‌نامند که معلوماتی یقینی هستند که دل انسان‌ها با آن‌ها عقد بسته و گره خورده است (صدر، ۱۳۹۷: ۲۶۳).

درک درست از فرایند پیشروی تاریخ، قاعده‌مندی آن و نقش ربوبی خداوند در عین تأثیرپذیری از اراده انسان هم زمینه‌ساز تربیت سیاسی است. فهم رابطه طولی خداوند با انسان و تسلط اراده الهی بر سنت‌های الهی، از نقش بسترسازی ادراک تاریخی سرچشمه می‌گیرد (صدر، ۱۳۹۹: ۶۸-۸۵) و در تحلیل صدر از قرآن کریم، به درک رابطه سببیت میان تغییر در لایه‌های درونی انسان تا تغییر اجتماع و نقش آفرینی در تاریخ می‌انجامد (صدر، ۱۳۹۹: ۱۳۴).

صدر پیروزی یا شکست انسان در قالب سنت‌های دنیا را در گرو فراهم کردن شرایط مادی می‌داند (صدر، ۱۳۹۹: ۵۰-۵۳). به نظر می‌رسد ناظر به این موضوع است که او زمینه ارتباط با علم تجربی دنیا و محدود نگه‌نداشتن مسلمانان به محصولات علم دینی را به شکل گسترده‌تری در نظر می‌گیرد و در ارتباط مسلمانان با آنچه غرب نامیده می‌شود آن‌ها را از فرهنگ آن‌ها، به معنای نگاه مردم به زندگی، نهی می‌کند؛ نه از تمدن که تحول زندگی به وسیله علم و فناوری روز است (صدر، ۱۳۹۷: ۳۰۷-۳۰۸).

زمینه‌ساز بعدی در نظر صدر «آگاهی» و عقیده به حق است که از تعمیق پیوند اندیشه با عاطفه پدید می‌آید (صدر، ۱۳۹۷: ۲۱۰) و به علاوه از انحراف تجربه اسلامی نیز جلوگیری می‌کند (صدر، ۱۳۹۴: ۲۰۳). آگاهی غیر از نیروی هیجانی و برافروختگی عاطفی است و نیرویی برگرفته از فهم سازنده است که حقیقت اسلام را در جان امت برمی‌انگیزد (صدر، ۱۳۹۴: ۱۶۸) و اندیشه سازنده را زمینه‌سازی می‌کند که در کنار رهبری حکیمانه عامل پیروزی تجربه اسلامی است (صدر، ۱۳۹۳: ۳۰).

مؤلفه دیگر از دسته زمینه‌سازها «آزادی» است؛ مفهومی پرچالش که در حوزه‌های علمی و مکاتب مختلف معنایی ویژه دارد. در نظر صدر، آزادی نه به معنای رهاشدن انسان، بلکه نوع ویژه‌ای از هدایت و واسپاری مسئولیت سرنوشت او به دست خودش است که در این مسیر از هدایت و تربیت الهی نیز برخوردار می‌شود (صدر، ۱۳۹۳: ۱۵۴). او در بیان ارتباط آزادی ذاتی انسان با سیاست، همه انسان‌ها را حامل امانت الهی و حق حاکمیت می‌داند که در این راه، آزادی بیان و فعالیت سیاسی را مانند حق انجام شعائر دینی دارا هستند (صدر، ۱۳۹۳: ۳۵)، اما

در برخورد با دموکراسی‌های غربی، یک درجه از نظر خود کوتاه آمده و انسان‌ها را نه در حق حاکمیت، که تنها در تحمل بار امانت مساوی دانسته و با رد نظریه حکومت اقلیت بر اکثریت، برای هیچ فردی حق هدایت زندگی اجتماعی و وضع برنامه‌های آن و قانون‌گذاری در برابر خداوند قائل نیست (صدر، ۱۳۹۳: ۳۶۳-۳۶۵).



نمودار ۳. دسته سوم مؤلفه‌های تربیت سیاسی؛ همراهان

مؤلفه سوم تربیت سیاسی؛ همراهان

مهم‌ترین همراه تربیت سیاسی از نظر صدر، الگو است که جان‌بخش تمام لایه‌های حیات درون انسان تا جامعه و همچنین نیروی محرکه تغییرات اجتماعی است (صدر، ۱۳۹۹: ۹۱) و چون بعد بشری فرایند تغییر به آن‌ها تفویض شده (صدر، ۱۳۹۹: ۵۰-۵۳)، باید علاوه بر داشتن جامع صفات الهی، عینی و از جنس بشر باشد تا تربیت در همهٔ ساحت‌ها را هدایت کند (صدر، ۱۳۹۹: ۱۶۴):

مضمونی که می‌توانیم به‌طور عقلی درک کنیم، مضمونی که ارسطو و افلاطون پیرامون آن صدها کتاب برهان‌های عقلی برپایهٔ امکان دریافت امر نامتناهی از منبع نامتناهی گرد آورده‌اند. این مضمون نزد بشریت امری محسوس گشت (...) و در میان مردم، در دل مردم و همپای تاریخ زندگی کرد تا تعبیری توانا و همیشگی برای آن ارزش‌ها و آرمان‌ها شود و بشر را براساس آن‌ها پرورش دهد (صدر، ۱۳۹۴: ۹۱).

صدر نظریهٔ شهادت را در اتصال با اصل استخلاف بیان می‌کند. در مجموع این دو نظریه، هدایت و تربیت لازمهٔ جانشینی انسان بر زمین معرفی شده و برعهدهٔ خداوند است. رسولان

الهی هم در این خط متصل، الگوهای آرمانی و تجلی عینی خط شهادت هستند (صدر، ۱۳۹۳: ۱۵۵). فرایند تربیت در نظر صدر هم براساس طبیعت لایتغیر تکوینی انسان چیده شده که حس و عقل را در شروع فرایند تأثیرپذیری انسان، ملازم یکدیگر قرار داده است. حس زمینه مشترک میان انسان و الگوی آرمانی است که او برای بیان مفاهیم عقلی و نفوذ اندیشه بندگی از آن استفاده می‌کند و گاه آن‌ها را به سطح حس فرومی‌آورد (صدر، ۱۳۹۴: ۸۴-۹۳). ضرورت وجود رهبر در تربیت و ارتقای سطح امت، مسئولیت پرورش مردم را به‌عهده الگو می‌گذارد (صدر، ۱۳۹۴: ۱۳۱-۱۵۳) تا امت را برای درک ضرورت نقش خود در جامعه، طبق اصول زندگی دینی بیوراند. یکی از ثمرات این شیوه تربیتی، ایفای نقش نظارتی مردم بر حکومت است که سلامت سرشت جامعه را ضمانت می‌کند (صدر، ۱۳۹۴: ۱۶۷).

اما خداوند همراهی به نام وجدان را نیز در درون انسان قرار داده که از نظر صدر، وابسته به منطق (صدر، ۱۳۹۴: ۵۳۹) و حلقه اتصال شرایط عینی به هدایت الهی و زمینه‌ای درونی برای مسئولیت‌پذیری است (صدر، ۱۳۹۴: ۸۳-۸۶). او در توضیح بیشتر وجدان، عملکرد امام حسین (ع) در واقعه عاشورا را مثال می‌زند که نخست آنکه منطق عمل او به قدری محکم بود که حتی در اذهان مسلمانان بی‌هویت‌شده نیز نقدی به شتاب‌زدگی و انجام حرکات بدون توجیه منطقی وجود نداشت و دوم اینکه شرایط عاطفی موجود را گرد آورد تا از هردو بعد ادراکی و احساسی برای اثرگذاری بر وجدان‌های خواب‌رفته استفاده کند (صدر، ۱۳۹۴: ۳۶۹).



نمودار ۴. دسته چهارم مؤلفه‌های تربیت سیاسی؛ آموزختنی‌ها

مؤلفه چهارم تربیت سیاسی؛ آموزختنی‌ها

در بخش اول مؤلفه‌های آگاهی‌بخش در نظر صدر، به دنبال نفوذ مسئله زندگی انسان در راه رسالت الهی هستیم:

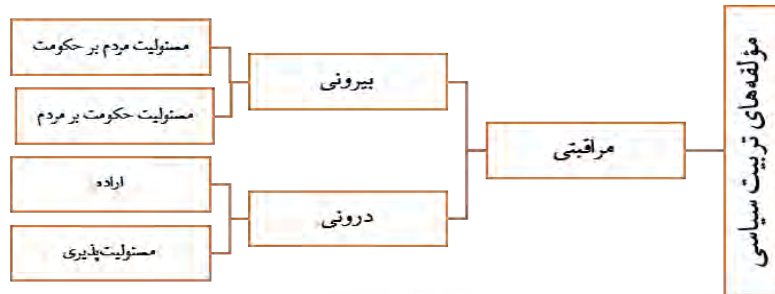
ما حضرت محمد (ص) را در مقام مردی والا حس می‌کنیم. کسی که توانست ثابت کند انسانی هست که چون توانش به توان خداوند پیوندد، پایانی بر توان نیست و انسانی هست که چون پیوسته در راستای رسالت خداوند متعال ره بسپارد، پایانی بر نفسش نیست (صدر، ۱۳۹۴: ۹۱).

رسالت الهی همگانی است و در قالب احکام دین خلاصه نمی‌شود، بلکه با معنا و هدف احکام مرتبط است (صدر، ۱۳۹۷: ۳۵) تا با تعیین اهداف و مقاصد براساس هویت معنوی افراد، ارائه الگوی عالی و ترسیم مسیر جهت‌گیری، مبنایی شایسته در تربیت امت باشد و اتکای به آن به ایجاد نهضت بینجامد (صدر، ۱۳۹۳: ۴۲۹).

از نظر صدر، رسالت اسلام توانمندی نظام‌سازی فکری و اجتماعی است و به مرزهای فیزیکی محدود نیست (صدر ۱۳۹۷، ۲۶۴-۲۷۲). رویکرد تربیت سیاسی این حکومت در برابر امت خود و سایرین، برپایی و اجرای فرهنگ اسلامی رسالتی است که می‌تواند هدیه‌ای برای بشریت و حل‌کننده تناقضات اجتماعی باشد (صدر، ۱۳۹۷: ۳۰۶). چنین حکومتی نام اسلامی خود را نه منحصرأ از مسلمانی حاکم، بلکه از اجرای عملکردها و فرایندها به‌شیوه توصیه‌شده دین برمی‌گیرد (صدر، ۱۳۹۷: ۲۶۸).

آخرین دسته از سری «آموختنی‌ها»، هوشیاری درباره دشمن است که به عقیده صدر، شبکه‌ای از ارتباط و رابطه‌ای مستقیم میان ضعف نیروهای شناختی و عقیدتی امت در برابر اسلام با میزان تأثیرپذیری از دشمن وجود دارد (صدر، ۱۳۹۴: ۲۰۲) و این رابطه به جایی ختم می‌شود که او وادادگی و هویت‌پذیری از فرهنگ‌های غیردینی را دلیل فروپاشی درونی امت می‌داند (صدر، ۱۳۹۷: ۳۷). او در بررسی تاریخ تأثیرپذیری مسلمانان از فرهنگ‌های غیردینی، به ریشه ذهنیت منفی مسلمانان از سیاست اشاره و آن را به دوران استعمار مرتبط می‌کند که سیاست را در اذهان مسلمانان گرفتار، با مکر و حيله و دروغ معادل کرده است؛ به‌طوری‌که بسیاری از مسلمانان تصویری از سیاست جز نفاق، تجاوز به حقوق دیگران و هتک حرمت و کرامت امت ندارند و به‌نظر صدر این کج‌فهمی برای کیان مسلمانان خطرناک است (صدر، ۱۳۹۷: ۳۱۹). در تربیت سیاسی اسلامی اندیشه سازنده امت در کنار رهبری حکیمانه قرار

می‌گیرد و اثر همراهی این دو مؤلفه، شکست طواغیت، تحقق پیروزی، حفظ کرامت و آزادی انسان‌ها و امکان مشارکت در ساخت کشور اسلامی است (صدر، ۱۳۹۳: ۳۰).



نمودار ۵. دسته پنجم مؤلفه‌های تربیت سیاسی؛ مراقبتی‌ها

مؤلفه پنجم تربیت سیاسی؛ مراقبتی‌ها

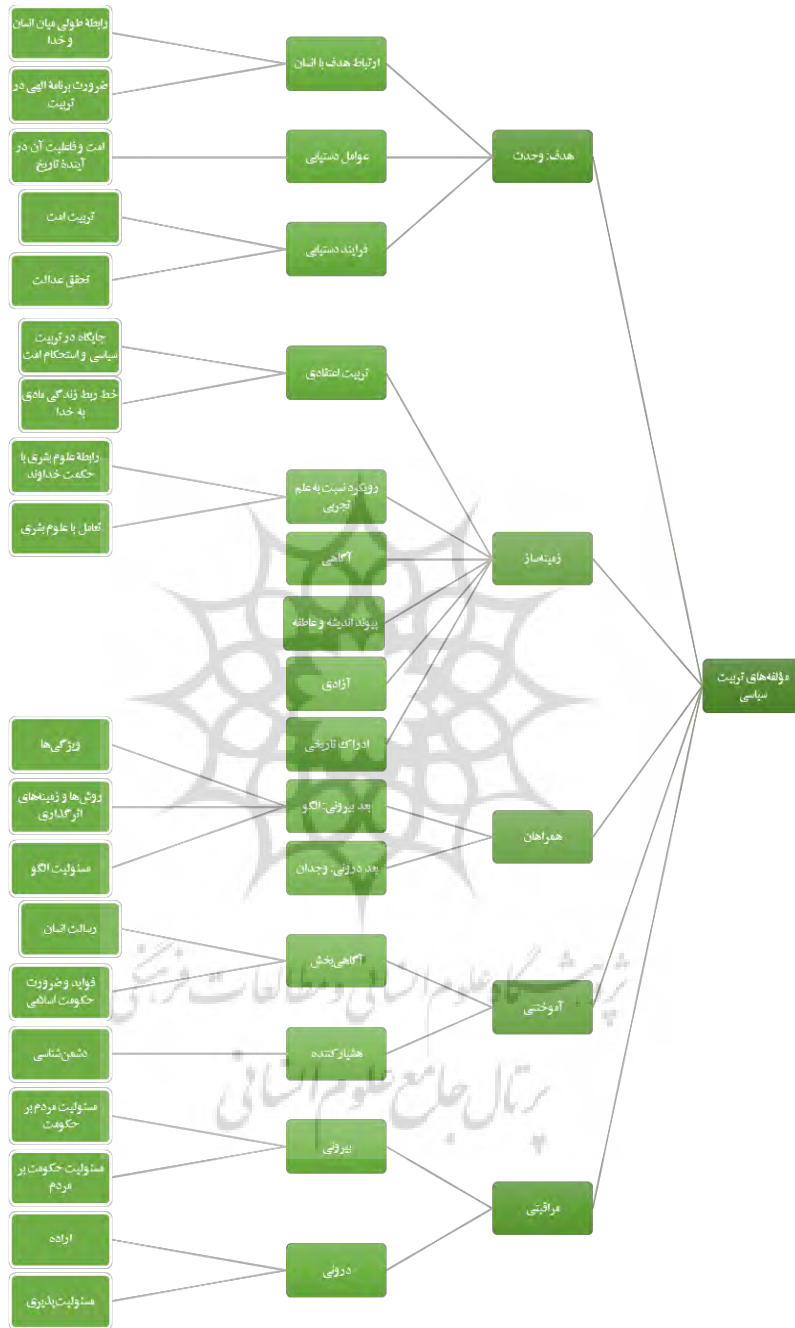
شبکه مفاهیمی که صدر به صورت مستتر درباره تربیت سیاسی در آثارش پرداخته، عناصر مراقبتی را هم در خود جا داده که اهداف تربیت سیاسی را با ماندگاری بر حکومت اسلامی گره زده است. همان‌طور که در مؤلفه‌های زمینه‌ساز اشاره شد، ماندگاری بر هدف، به زمینه‌های مهمی از جمله آگاهی، تربیت اعتقادی، حفظ روح حقیقی حاکم بر تجربه اسلامی و کرامت امت وابسته است تا مانع از شکست اراده‌ها شود (صدر، ۱۳۹۴: ۲۰۲؛ صدر، ۱۳۹۳: ۴۳۰).

در کنار اراده، مسئولیت‌پذیری قرار می‌گیرد که به عقیده صدر برگرفته از اصل استخلاف و نگرش توحیدی به روابط اجتماعی (صدر، ۱۳۹۹: ۱۲۳) است و بعد از آن، با اتصال طبیعی به اصل شهادت، هم‌کنشی و شباهت حداکثری در عمل به الگو را می‌طلبد (صدر، ۱۳۹۴: ۹۵) و او ملاک عینی تحقق تربیت سیاسی را مسئولیت‌پذیری در پذیرش خلافت الهی بیان می‌کند (صدر، ۱۳۹۴: ۲۰۲).

دامنه مسئولیت‌پذیری به دو بخش تقسیم می‌شود که اول، مسئولیت مردم بر حکومت است. ضروری‌ترین نقش مردم در حکومت اسلامی، نظارت بر نظام اسلامی است که ضامن سلامت سرشت جامعه است و پرورش فراگیر امت طبق اصول زندگی دینی توسط حکومت را لازم می‌کند (صدر، ۱۳۹۴: ۱۶۷)؛ زیرا امت باید بر همسویی حاکم با رسالت نظارت داشته

باشد (صدر، ۱۳۹۴: ۲۲۱-۲۲۲؛ صدر، ۱۳۹۷: ۲۷۰؛ صدر، ۱۳۹۳: ۳۷) و میان دیدگاه‌های موجود در حکومت آن را که بیشتر نمایانگر اسلام است و تعبیر صادقانه‌تری از نیازهای رسالت و امت دارد برگزیند (صدر، ۱۳۹۴: ۴۴۴). صدر رویکرد توحیدی خود را در مقایسه مشارکت‌های مردمی در دستگاه‌های اجرایی نظام اسلامی و سایرین هم نشان می‌دهد و مطابق اصل استخلاف، مردم را در نظام الهی سرپرست و صاحب حق معرفی کرده و انجام مسئولیت در قبال خداوند و وابستگی مبنایی «مشارکت مردم در حاکمیت» به شریعت را اصل قرار می‌دهد (صدر، ۱۳۹۳: ۳۲).

دوم، مسئولیت حکومت بر مردم است که او در درجه اول، تربیت اعتقادی را وظیفه مرجعیت اسلام و پیش‌زمینه رفتار و عمل مطابق احکام اسلام معرفی می‌کند (صدر، ۱۳۹۷: ۴۷۴). وظیفه حکومت به حفظ روح حقیقی حاکم بر تجربه اسلامی در میان امت و حفظ کرامت امت گسترده می‌شود (صدر، ۱۳۹۴: ۲۰۲)، اما اجرای عدالت اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌تری در تربیت سیاسی و همچنین در بقای حاکمیت دارد که مبارزه با فقر، فساد اخلاقی و تبعیض طبقاتی را شامل می‌شود و نظارت مردمی را هم در حسن اجرا طلب می‌کند (صدر، ۱۳۹۷: ۲۹۸-۲۹۹).



نمودار ۶. نمای کلی مؤلفه‌های تربیت سیاسی در نظر صدر

بحث و نتیجه‌گیری

هدف در تربیت سیاسی از منظر صدر، مؤلفه‌ای است که از جهت اولویت و اهمیت جایگاه اول را دارد. نقش سنت‌های تاریخی حاکم بر عالم، عنوان «رابطه طولی میان انسان و خدا» را پدید آورد تا ابعاد حرکت تاریخ، اراده مسلط خداوند بر عالم و بعد مادی آن، اراده انسان را معرفی کند و رابطه آن در دگرگونی‌ها از سطح درون انسان تا لایه‌های بیرونی تغییر در جامعه را شرح دهد که همگی در امتداد اراده خداوند قرار می‌گیرد. عامل انگیزه در تغییر و رشد اجتماعی، «آرمان متعالی» است (صدر، ۱۳۹۷: ۱۲۲) که «ابعاد وجودی انسان شامل اندیشه و عاطفه» را هماهنگ می‌کند (صدر، ۱۳۹۴: ۸۴).

طبق سیری که از متون صدر برداشت می‌شود، پیش‌نیاز پذیرش برنامه الهی در تربیت، بیان رابطه و نحوه برقراری نسبت میان انسان و خدا است که دلایل آن در کدهای ذیل «ضرورت برنامه الهی در تربیت» قرار گرفته است. کدهای «عوامل دستیابی» با تأکید بر «عاملیت امت در آینده تاریخ» طبقه‌بندی شده است؛ زیرا نقش اراده بشری در نحوه و زمان دستیابی به هدف تعیین‌کننده است و در آخر، «فرایند دستیابی» با دو دسته «تربیت امت» و «تحقق عدالت» مشخص شده که عامل و فاعل در هر دو انسان است که با پیروی یا عدم پیروی از برنامه الهی در نحوه دستیابی به هدف نقش‌آفرینی می‌کند. طبق بیان کدها «عدالت نتیجه هماهنگی میان جنبه‌های فطری و اجتماعی» است (صدر، ۱۳۹۳: ۳۳۵) و «عدالت اجتماعی در طول عدالت الهی» قرار می‌گیرد (صدر، ۱۳۹۳: ۵۳) و «زمینه‌ساز همراهی جامعه با روح اسلام» خواهد شد (صدر، ۱۳۹۳: ۳۵).

مؤلفه دوم، زمینه‌سازها هستند با شش طبقه که اولین عامل «تربیت اعتقادی» است. نگاه گذرا به منابع نیز جایگاه و اهمیت این موضوع در نظر صدر را روشن می‌کند. تربیت اعتقادی، تمایز تربیت اسلامی است با سایر مدل‌ها در مکاتب دیگر، مسلط‌کننده توحید به بدنه نظام فکر و باورهای مسلمان و حلقه اتصال برای کنار هم نگه‌داشتن اصول، فروع، احکام و باورهای دین است. تربیت اعتقادی به دنبال اتصال زندگی مادی دنیا به خدا (صدر، ۱۳۹۹: ۱۲۳) است و با هویت‌بخشیدن به مسلمانان، پایگاه فکری در امت ایجاد می‌کند (صدر، ۱۳۹۳: ۳۶). طبق روابط میان کدها تربیت معطوف به التزام عملی که نتیجه تربیت در هر تعریفی است، در بیان صدر با

«تربیت اعتقادی» و «آگاهی امت» مرتبط شده و تربیت اعتقادی، خود با سه بعد شناختی، شهودی و عملی گره خورده است که به «درک اهداف نبوت»، «ایمان به امام» و «پشتیبانی از دستاوردها» ختم می‌شود (صدر، ۱۳۹۴: ۱۳۱).

دومین عامل در زمینه‌سازها «رویکرد نسبت به علم تجربی» است. به دلیل توصیه صدر به تعامل علمی با جهان و جداکردن مرزهای علم از فرهنگ (صدر، ۱۳۹۷: ۳۰۷) و نیز توجه به سیره او که آغوش بازی برای ارتباط، مطالعه، مواجهه، نقد و پذیرش علم روز داشت (برادران، ۱۳۹۹) این مؤلفه جای خود را در زمینه‌سازها باز کرد. هرچند به نظر می‌رسد برای تعامل جهان اسلام با دنیا بهانه‌ای بدون پیش‌فرض‌های مخرب و بهتر از علم وجود ندارد و چه بهتر که جایگاه این مؤلفه را در پیشرفت بومی و علاوه بر آن در ارتباط با هدف «وحدت» نگاه کنیم و این موضوع را در زمینه‌سازی حکومت صلح جهانی، دوستی و برادری با دنیا پیش چشم داشته باشیم.

سومین عامل در زمینه‌سازها «ادراک تاریخی» است که بر اهمیت فهم، مطالعه انتقادی و بهره‌گیری از تاریخ و سنت‌هایش در ایجاد باورها و رویکرد مناسب به زندگی و حوادث آن تکیه دارد. این عامل حلقه‌ای است که اراده الهی در هدف را به اراده بشری متصل می‌کند و چنانچه اگر از مبانی تربیت حذف شود، جای خالی بزرگی در فهم پازل فرایندهای ارادی و زمینه‌ساز برای رسیدن به هدف ایجاد می‌شود؛ زیرا در کنش‌های تاریخی دو نیروی فکر و اراده انسان در نقش فاعل ظاهر شده و روبنای اجتماعی را می‌سازند (صدر، ۱۳۹۹: ۱۳۴). همچنین به علت ارتباط تنگاتنگ میان ابعاد اجتماعی با سیاسی، می‌توان میان ادراک تاریخی و تربیت سیاسی ارتباط محکمی را نتیجه گرفت. غیر از این، ادراک تاریخی با فهم صحیح از سنت‌های الهی حاکم بر زندگی رابطه دارد، زمینه‌ساز فهم ریشه‌دار انسان از مفهوم استخلاف و مسئولیت او در خلافت الهی است (صدر، ۱۳۹۹: ۹۱) و انسان را در کشف ابعاد وجودی خود و چگونگی هماهنگی آن‌ها برای انجام رسالت الهی راهنمایی می‌کند (صدر، ۱۳۹۴: ۸۴).

چهارمین عامل در زمینه‌سازها آگاهی است که بر محور یکتاپرستی بنا شده (صدر، ۱۳۹۴: ۱۰۸) و سازنده ایمان است (صدر، ۱۳۹۳: ۴۶۲). آگاهی، متفک از هیجانات برآمده از عاطفه است و «فهم سازنده و ایجابی است که اسلام در جان امت برمی‌انگیزد» (صدر، ۱۳۹۴: ۱۶۸).

مسئولیت اجرای این مؤلفه به‌عهده الگو است (صدر، ۱۳۹۴: ۲۰۳) و در ارتباطش با سایر مؤلفه‌ها می‌توان گفت که عامل ماندگاری اراده‌ها و در طول آن، عامل حیات حکومت است (صدر، ۱۳۹۴: ۲۰۲).

پنجمین عامل در زمینه‌سازها «پیوند اندیشه با عاطفه» است که چندین بار در منابع مختلف صدر بر آن تأکید شده و نشان می‌دهد او تا چه اندازه بر هماهنگی ابعاد وجودی انسان حساسیت داشته است. صدر به‌دنبال آن بود تا احساس و عواطف در انسان براساس اندیشه شکوفا شوند (صدر، ۱۳۹۳: ۴۴۳) و عقیده‌ای که نتیجه تربیت اعتقادی است، سنگ‌بنای اندیشه او باشد (صدر، ۱۳۹۳: ۴۴۵). او در بیان راه‌های الگوسازی مؤثر، این مسئولیت را در درجه اول متوجه الگو می‌داند که هماهنگی این دو ویژگی وجودی در راه هدایت انسان به سمت رسالتش را به‌کار بگیرد (صدر، ۱۳۹۴: ۹۵). همه فرایندها و روش‌ها، از جمله راه‌های اثرگذاری الگو، زمانی مؤثر است که با ویژگی‌های وجودی انسان همسو باشد. به همین خاطر «التزام حس و عقل» در «زمینه‌های اثرگذاری الگو» هم وجود دارد تا یکپارچگی نظر صدر درباره انسان حفظ شود و درنهایت به وحدتی چندلایه برسد که دنباله‌اش از هماهنگی ابعاد وجودی فرد تا ازبین‌رفتن مشکلات و تناقضات زندگی بشر کشیده می‌شود.

آخرین عامل در زمینه‌سازها آزادی است که از نظر صدر، این مفهوم در «مسئولیت» نهفته شده و بدون در نظر گرفتن آن، هرگونه تفویض مسئولیت به انسان بی‌معنا است (صدر، ۱۳۹۳: ۱۵۳). هرچند که «انسان مواضع ایجابی و اثباتی دارد که آزادی او را نشان می‌دهد» (صدر، ۱۳۹۹: ۸۵)، آزادی به‌معنای رهاشدن و تنهایی انسان نیست، بلکه خداوند برخلاف در نظر گرفتن شیوه‌های ثابت و تخلف‌ناپذیر، برای این موجود هدایتی ویژه طراحی کرد و تربیت او را به‌عهده گرفت تا انسان در عین داشتن اختیار، سرنوشت خود را شکل دهد (صدر، ۱۳۹۳: ۱۵۴). صدر مانند تعاریف رایج در بین اندیشمندان اسلامی، آزادی را رهاشدن انسان از قید عبودیت‌هایی می‌داند که او را از پیوند با خدا دور می‌کنند (صدر، ۱۳۹۳: ۳۴۶) و پشتوانه‌های درونی او (صدر، ۱۳۹۹: ۳۵۶) توحید است (صدر، ۱۳۹۹: ۳۵۸) که در رابطه‌ای طولی جامعه‌ای آزاد را بنا می‌کند (صدر، ۱۳۹۹: ۳۵۹).

مؤلفه سوم «همراهان» نامیده شد، از آن جهت که هر دو بعد آن بر انسان اثرگذارند و انسان در مورد آن‌ها در نوعی از انفعال به سر می‌برد. شاید بهترین تعریف برای بیان ارتباط ابعاد بیرونی و درونی در مؤلفه همراهی این است که وجدان انعکاس صدای رسای خداوند است (جعفری، ۱۳۹۸) و نقش حجت درون انسان را ایفا می‌کند. وجدان همچنین از حجت بیرونی تأثیر می‌پذیرد (صدر، ۱۳۹۴: ۳۶۹ و ۴۵۹) و سپس در ارتباط با قوای منطقی (صدر، ۱۳۹۴: ۵۳۹) زمینه‌ای درونی برای پذیرش مسئولیت است (صدر، ۱۳۹۴: ۸۶).

مؤلفه چهارم «مراقبت» است. مباحث مربوط به «نظارت» چه از طرف مردم در مقابل حاکمیت و چه حالت عکس آن ذیل مسئولیت دوطرفه مردم و حکومت آورده شده است؛ از آن جهت که نظارت نوعی مراقبت است که فرد-حکومت، فعالانه بر جایی بیرون از خود اعمال می‌کند و طبق قاعده‌ای بدیهی، ناظر باید از بیرون انتخاب شود تا عمل و نظرش مؤثر باشد. انسان در «اراده» و «مسئولیت‌پذیری» هم که ابعاد درونی مراقبت هستند فعال است و نوع و میزان خواست او در ایجاد و رشد این مؤلفه‌ها اثر مستقیم دارد. اراده از درون‌مایه‌های ادراکی انسان و نیرویی است که انسان را به سمت هدف می‌کشاند (صدر، ۱۳۹۹: ۱۳۴). این عامل با عوامل قبلی از طرق مختلفی مرتبط است: با ادراک تاریخی از آن جهت که اراده محور سلسله حوادث و قضایای تاریخی است (صدر، ۱۳۹۹: ۸۴)، با تربیت اعتقادی از آن جهت که توسط آن تقویت می‌شود (صدر، ۱۳۹۴: ۱۸۲)، متغیر وابسته در فرایند تغییر است و نقطه اثری است که الگو بر آن تمرکز دارد (صدر، ۱۳۹۴: ۲۰۲). اراده تحت تأثیر آزادی است و گرفتاری یا رهایی انسان در برابر قیود شهوانی و غریزی، جهت متفاوتی را برای فعالیتش معین می‌کند (صدر، ۱۳۹۳: ۳۵۶). عامل مالکیت انسان بر اراده نیز طبق بیان صدر، میزان آزادی و سازندگی درونی او است (صدر، ۱۳۹۳: ۳۵۹). «مسئولیت‌پذیری» هم در گرو میزان هم‌کنشی فرد با الگو است (صدر، ۱۳۹۴: ۹۵) و این‌گونه در انسان ریشه می‌گیرد (صدر، ۱۳۹۴: ۲۰۲). زمینه‌های مشترک میان تربیت سیاسی با تربیت اخلاقی در عامل «مسئولیت‌پذیری» نمایان می‌شود: طبق تحلیل صدر از داستان خلق آدم و حوا، رشد اخلاقی بر رشد مسئولیت‌پذیری اثر مستقیم دارد و این دو با یکدیگر انسان را در انجام رسالتش یاری می‌رسانند (صدر، ۱۳۹۳: ۱۷۰).

علی‌رغم اینکه مؤلفه‌های «اراده»، «مسئولیت» و «وجدان» همگی قوای درونی انسان و حجت‌های نهان او هستند، در دسته‌بندی جدا قرار گرفتند. وجه جدایی این مؤلفه‌ها از آن جهت در نظر گرفته شد که مراقب‌های درونی به‌مرور و در اثر تربیت و تجربه ساخته می‌شوند، اما وجدان حاضر و ازپیش‌آماده است.

پنجمین و آخرین مؤلفه «آموختنی» است که مسئولیتی شناختی را برعهده دارد و سیر استدلال عقلی-نقلی-تاریخی برای آموزش قاعدهٔ استخلاف و شهادت را به یادگیرنده عرضه می‌کند. در کنار آن و مطابق تدوینی که در ادبیات پژوهش آمد، ضرورت‌های برپایی حکومت اسلامی و همچنین بررسی تطبیقی این حکومت با انواع مدل‌ها نیز در این بخش می‌گنجد که علاوه بر ادبیات صدر، در اسناد تربیتی قدیم و جدید هم مورد توجه بوده و هستند.

مؤلفه‌های تربیت سیاسی از آن جهت که در دامنهٔ کم‌پشتی از تحقیقات در زمینهٔ تربیت و تربیت سیاسی از منظر صدر شکل گرفته، امکان مقایسهٔ زیادی را نداشت. نتایج پژوهش حاضر با پورفرد (۱۳۸۷) همسو است که برداشتی از تربیت سیاسی در نظر صدر داشته است. مطالعهٔ سرلک و موسوی (۱۳۹۳) هم از جهتی که به تسلط جهان‌بینی توحیدی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی پرداخته‌اند، نقش قاعدهٔ استخلاف در نظام‌سازی تربیتی را دیده‌اند و به مؤلفه‌های عقل، فکر، اراده و اختیار توجه داشته‌اند با پژوهش حاضر همسو است. پژوهش جراحی دربان، بابازاده و رودمقدس (۱۳۹۳) هم که تربیت سیاسی در قرآن را هدف قرار داده، به‌صورت پراکنده و بدون ساختار و طبقه‌بندی به نتایجی دست یافته که در برخی مبانی با تحقیق حاضر هم‌راستا است. این پژوهشگران مبنای خلافت‌اللهی و آزادی توأم با مسئولیت برای انسان را در تربیت سیاسی اساسی می‌دانند و به نقش الگو اشاره دارند، اما نزدیک‌ترین مشابهت با این پژوهش را در هدف تربیت سیاسی می‌توان پیدا کرد که «وحدت امت واحده» بیان کرده‌اند. علی‌رغم اینکه ظاهر این عبارت به محدودهٔ وسیع وحدت در نظر صدر حد می‌زند، از آنجا که پژوهشگران این هدف را بر مبنای اصل «برابری خلقت» بیان کرده‌اند، می‌توان به هم‌معنایی این دو مفهوم هم امیدوار بود (جراحی دربان، بابازاده و رودمقدس، ۱۳۹۳).

منابع

- احمدی، سه ر کاو (۱۳۸۹). بررسی رویکردهای تربیت سیاسی در دوره ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی /رشد. دانشگاه کردستان.
- افتخاری، اصغر و مهجور، حمید (۱۳۹۵). نقش مدارس در تربیت شهروند فعال. دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۳(۲۴)، ۹۲-۱۰۴.
- الیاس، جان (۱۳۸۵). فلسفه تعلیم و تربیت. ترجمه عبدالرضا ضرابی. چاپ دوم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- برادران حقیر، مریم (۱۳۹۹). نا. قم: دارالصدر.
- پورفرد، مسعود (۱۳۸۷). تربیت سیاسی از منظر شهیدان مطهری، صدر و بهشتی. راه تربیت، ۲(۵)، ۱۲۳-۱۵۴.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۹۸). وجدان. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری هرنندی، رضا و نجفی، حسن (۱۳۹۸). تربیت اجتماعی و سیاسی به روایت کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه نظری ایران. مطالعات برنامه درسی، ۱۴(۵۲)، ۱۵۹-۱۸۴.
- جراحی دربان، مهدی، مجید بابازاده، و رودمقدس، رمضانعلی (۱۳۹۳). مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی در اسلام از منظر قرآن، بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۱(۳۱)، ۹۵-۱۱۲.
- حکیم، سیدمنذر (۱۳۹۹). جامعه ما در اندیشه و آثار شهید سیدمحمدباقر صدر. ترجمه مسعود فکری. تهران: سروش.
- حمدانی، طالب (۱۳۹۵). نظریه سیاسی شهید سید محمدباقر صدر. ترجمه اسماء خواجهزاده. قم: کتاب فردا.
- داودی، محمد، و فاضلی دهکردی، مهدی (۱۳۹۴). بررسی اهداف تربیت سیاسی در قرآن با تأکید بر مبانی و اصول تربیتی. آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، ۱(۲)، ۱۹-۴۰.
- راش، مایکل (۱۳۹۳). جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی. چاپ دوازدهم. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: سمت.
- رایجی پارسایی، نرگس، فغان نومی، فاطمه و کاردل، آتنا (۱۳۹۳). ارتباط بین دین و سیاست در نهج‌البلاغه و کارکردهای آن. بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۱(۳۰)، ۷۹-۱۱۰.
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۷). تربیت سیاسی در چارچوب نظام‌های سیاسی و نظریه‌های مختلف. راه تربیت، ۲(۵)، ۱۵۵-۱۷۶.

- سرلک، علی، و موسوی، سید مهدی (۱۳۹۳). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی از منظر شهید سید محمدباقر صدر. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۵۹(۲)، ۱۹۵-۲۰۸.
- سلحشوری، احمد، یدالهی فر، محمدجواد و خنکدار طارسی، معصومه (۱۳۹۱). مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره). *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ۲(۵)، ۱۱۱-۱۲۶.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: سمت.
- صادق‌زاده، علیرضا (۱۳۷۹). جستاری در حدود مسئولیت تربیتی دولت اسلامی در دوران معاصر براساس کلام و سیره امام علی (ع). *تربیت اسلامی*، ۴، ۲۷-۵۸.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۶۹). *سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن*. ترجمه حسین منوچهری. تهران: رجاء.
- _____ (۱۳۴۸). *اقتصاد ما*. ترجمه محمدکاظم موسوی. تهران: اسلامی.
- _____ (۱۳۹۳). *مکتب اسلام*. ترجمه سیدمهدی زندیه. قم: دارالصدر.
- _____ (۱۳۹۳). *اسلام راهبر زندگی*. ترجمه سید مهدی زندیه. قم: دارالصدر.
- _____ (۱۳۹۳). *رسالت ما*. ترجمه سید مهدی زندیه. قم: دارالصدر.
- _____ (۱۳۹۴). *امامان اهل بیت (ع) مرزبانان حریم اسلام*. ترجمه رضا ناظمیان و حسام حاج مؤمن. قم: دارالصدر.
- _____ (۱۳۹۷). *بارقه‌ها*. ترجمه سید امید مؤذنی. قم: دارالصدر.
- _____ (۱۳۹۹). *سنت‌های تاریخی در قرآن کریم*. ترجمه سید جلال میرآقایی. قم: دارالصدر.
- عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۸). دین سیاسی یا سیاست دینی از نگاه امام محمد غزالی. *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۲، ۵۷-۷۸.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: روان.
- عیسی‌نیا، رضا (۱۳۸۷). *تربیت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)*. راه تربیت، ۲(۵)، ۵۳-۷۰.
- قادری، حاتم (۱۳۷۸). *اندیشه سیاسی در اسلام و ایران*. تهران: سمت.
- مرزوقی، رحمت‌الله (۱۳۸۴). *تربیت مدنی از دیدگاه اسلام: رویکردی به پرورش سیاسی*. *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، ۱(۱)، ۹۳-۱۰۸.
- مسعودیان، پریسا و بهشتی، سعید (۱۳۹۲). بررسی اهداف و اصول و روش‌های تربیت سیاسی بر مبنای نهج‌البلاغه. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۰(۱۷)، ۷-۲۶.

- موسوی الیگودرزی، سید مهدی (۱۳۸۷). درآمدی بر تربیت سیاسی از دیدگاه قرآن کریم. راه تربیت، ۲(۵)، ۷۱-۹۵.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه نور. جلد سیزدهم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

